

بررسی و تحلیل تطبیقی دو جریان انحرافی مهدوی مدعی یمانی و مدعی خراسانی

مهرداد ندرلو^۱

نسرین امیری^۲

چکیده

«خراسانی» و «یمانی»، دو شخصیت در میان روایات مهدوی هستند که خروج آن‌ها به عنوان نشانه‌هایی از نزدیک شدن ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نظر گرفته می‌شود. این دو پدیده، با توجه به این که با اعتقاد به مهدویت در ارتباط هستند، هریک دستاویزی شده است برای دو جریان که خود را مصداق یمانی و خراسانی در روایات معرفی می‌کنند و سعی در تطبیق این دو نشانه بر خود دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این دو جریان، هم از بعد اثباتی و هم از بعد سلبی (اثبات خود و نفی طرف مقابل) دارای وجوه اشتراک و افتراق متعددی با یکدیگر هستند که شناخت این وجوه مشترک و اختلاف، محققان را در نقد دقیق و روشمند این دو جریان کمک می‌کند. از این رو، در این مقاله به بررسی تطبیقی این دو جریان انحرافی می‌پردازیم. روش تحقیق این مقاله «توصیفی - تحلیلی» و گردآوری اطلاعات به شیوه «کتابخانه‌ای» است. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که تشابه این دو جریان در الگوبرداری از نشانه‌ها، ادعای وصایت و جانشینی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ادعای انحصار حقانیت در یک جریان، ادعای زمینه‌سازی و استفاده از روش‌ها و الگوهای مشترک در جذب است. تفاوت آن‌ها نیز در ادعا، موقعیت جغرافیایی ادعا، و راه‌های رسیدن به معرفت دینی است.

واژگان کلیدی: مدعی یمانی، مدعی خراسانی، مهدویت، جریان‌های انحرافی، نشانه‌های ظهور.

مقدمه

«مهدویت»، یکی از اصول اساسی و باورهای بنیادین در اسلام، به ویژه در مذهب تشیع است که بر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان منجی آخرالزمان تأکید دارد. در طول تاریخ، جایگاه مهدویت در اسلام، سبب شده است تا این آموزه مورد سوء استفاده مدعیان دورغین قرار بگیرد و ادعاهای گوناگونی حول محور اندیشه مهدویت شکل پذیرد؛ مدعیانی که ادعای مهدی بودن کرده‌اند، تا کسانی که ادعای وکالت و نیابت خاصه و یا تطبیق یکی از علائم و نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر خود دارند. برخی نیز مدعی ارتباط، ملاقات و یا قرابت نسبی بین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و خود هستند. این روند، در طول غیبت امام زمان علیه السلام ادامه داشته است و پیوسته افرادی بوده‌اند که در این زمینه ادعاهایی مطرح کرده‌اند.

در دهه‌های اخیر نیز، شاهد ظهور دو جریان انحرافی در زمینه مهدویت بوده‌ایم که هر دو تلاش می‌کنند خود را مصداق یکی از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی کنند. یکی از این جریان‌ها، جریان مدعی یمانی «احمد الحسن بصری» است که روایات مربوط به ظهور فردی به نام یمانی را که قبل از ظهور حضرت مهدی، خروج می‌کند؛ بر خود تطبیق می‌دهد و جریان دیگر، «منصور هاشمی خراسانی» را مصداق فردی می‌داند که در روایات از او به عنوان «خراسانی» یاد شده است. این دو جریان با توجه به این‌که هر دو در تلاش هستند خود را مصداق یکی از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی کنند؛ دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی هستند که بررسی تطبیقی این دو جریان، با توجه به رد و باطل شمردن یکدیگر، می‌تواند زوایای جدیدی از نقد آن‌ها را برای پژوهشگران آشکار کند. از این رو، در این مقاله به بررسی تطبیقی دو جریان انحرافی مهدوی، یعنی «مدعی یمانی» و «مدعی خراسانی»، پرداخته می‌شود. ضرورت تحقیق پیش‌رو، از آن روست که با گسترش روزافزون فضای مجازی و تبدیل شدن آن به شاهراهی برای تبادل اطلاعات و ارتباطات؛ شاهد افزایش فعالیت مخرب فرقه‌های انحرافی، از جمله فرقه مدعی یمانی و همچنین خراسانی هستیم. این فرقه‌ها با سوء استفاده از جذابیت و حساسیت موضوع مهدویت، با طرح ادعاهای دروغین و انحرافی، افراد مذهبی، حتی گاهی اوقات طلاب و روحانیان جوان و کم اطلاع از مبانی شیعه اثنا عشری و مهدوی را به دام خود

می‌اندازند. این تحقیق می‌تواند با نشان دادن شباهت‌های اعتقادی مدعی یمانی و خراسانی، وسیله‌ای برای آگاه‌سازی کسانی باشد که به این فرقه تمایلی پیدا کرده‌اند.

از سویی، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های جریان مدعی یمانی و خراسانی سبب افزایش کارایی تحقیق است. به عبارت دیگر، با شناخت شباهت‌ها، می‌توان به بهینه‌سازی و افزایش کارایی تحقیقات در زمینه مواجهه با این دو جریان کمک کرد؛ یعنی مثلاً اگر در میان این دو جریان، شباهت‌های فراوانی باشد، ممکن است بتوان از راهکارهای مشترک در مقابله با آن‌ها بهره برد.

بر همین اساس، به دلیل آن‌که بررسی تطبیقی در پژوهش‌های علمی، به محققان امکان می‌دهد تا با مقایسه و تحلیل دقیق موضوعات مختلف، به درک جامع‌تر و عمیق‌تری از پدیده‌ها دست یابند؛ و با این روش، به شناسایی الگوها و مؤلفه‌های قوت و ضعف، و ارتقای تحلیل انتقادی، به بهبود سیاست‌ها، استراتژی‌ها و روش‌های کار در مقابل جریان‌های انحرافی مهدوی کمک کنند؛ به شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو جریان به صورت تطبیقی می‌پردازیم و از شیوه «توصیفی - تحلیلی» در پردازش اطاعات استفاده می‌کنیم.

اما در مورد پیشینه تحقیق، باید گفت که تاکنون پژوهش‌های متعددی در مورد جریان‌های انحرافی مهدویت، از جمله جریان مدعی یمانی و جریان خراسانی انجام شده است. برخی از این آثار عبارتند از:

کتاب "ره افسانه" و "خواب پریشان"، نوشته محمد شهبازیان که به نقد جریان یمانی پرداخته‌اند.^۱

پایان نامه "بررسی مشترکات کلامی جریان مدعی یمانی (احمد الحسن) و بهائیت"، نوشته علی پارسا خصال که به بررسی تطبیقی و نقد بهائیت و مدعی یمانی پرداخته است. پژوهش "تحلیل و بررسی جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف

۱. شهبازیان، ره افسانه: نقد و بررسی فرقه یمانی بصری، انتشارات مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۹۳.

در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی^۱ و همچنین "بررسی و تحلیل نقش جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی در تقابل با حاکمیت فقیه"، اثر حجت حیدری چراتی و مهرداد ندرلو و کتاب "توهم بازگشت"^۲، از علی محمدی هوشیار به بررسی و نقد جریان خراسانی می‌پردازند. با وجود این، به نظر می‌رسد که تاکنون هیچ کتاب یا مقاله‌ای به طور خاص به بررسی تطبیقی این دو جریان نپرداخته باشد. از این رو، این پژوهش، جدید و فاقد سابقه است. بنابراین، ابتدا به شرح و تبیین واژگان اشاره می‌کنیم و سپس به شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو جریان می‌پردازیم.

۱. مفهوم‌شناسی

ضروری است برای دریافت و فهم دقیق مطالب و ایجاد همخوانی و هماهنگی هر چه بیش‌تر بین مسئله پژوهش و مطالعات صورت گرفته و همچنین کمک به رسیدن به فهم مشترک از موضوع بین محققان و مخاطبان، به تبیین و شرح و بسط واژگان کلیدی مقاله بپردازیم:

۱-۱. روش تطبیقی

واژه "روش" از لغت "متد" و آن از واژه یونانی "متا"، به معنای در طول و راه گرفته شده و مفهوم آن، در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف و مقصودی با نظم و توالی خاص است.^۳ روش، چگونگی، نحوه عمل و شیوه انجام دادن کاری را می‌گویند.^۴ «روش» عبارت است از فرآیند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دستیابی به شناخت یا توصیف واقعیت. به واسطه روش می‌توان از طریق عقل یا غیر آن، واقعیت‌ها را شناخت و مدلل کرد و از لغزش برکنار ماند.^۵

۱. حیدری چراتی، ندرلو، تحلیل و بررسی جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی، دو فصلنامه پژوهش نامه موعود، شماره ۶، ص ۷۰-۹۳.
 ۲. محمدی هوشیار؛ توهم بازگشت، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۹.
 ۳. کاظمی، روش و بینش در سیاست، ص ۲۸.
 ۴. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ص ۳۷۳۷.
 ۵. حقیقت، روش شناسی علوم سیاسی، ص ۴۳.

واژه «تطبیق» از مصدر «طَبَّقَ»، به معنای هم‌سطح کردن، برابر کردن، مانند کردن و مطابقت دادن است. از این رو، به گذاشتن دو دست بر روی هم و قرار دادن آن بین دو زانو در نماز «تطبیق» گفته شده است.^۱ معنای تطبیق بسته به علمی که در آن استفاده می‌شود، متفاوت است؛ ولی در مجموع، تطبیق چه در معنای لغوی و چه در معنای اصطلاحی، به فرآیند همخوانی و هماهنگی بین دو یا چند عنصر اشاره دارد.

۲-۱. جریان انحرافی

«جریان» در لغت به معنای رفتن و وقوع یافتن است^۲ و در اصطلاح، به یک گروه اجتماعی گفته می‌شود که با مبانی فکری و رفتار اجتماعی ویژه، به دنبال تأثیرگذاری بر جامعه است.^۳ لذا از جمله ویژگی‌های مهم جریان، داشتن رهبر، پیرو، اندیشه، رشد، هدف و تأثیرگذاری اجتماعی، سیاسی، اعتقادی، اقتصادی و علمی است. تفکرات فردی بدون پیرو و تأثیر اجتماعی جریان محسوب نمی‌شود. واژه انحراف نیز به معنای تغییر معنای لفظ از معنای اولیه^۴، کجروی و بی‌راه شدن است^۵ و در علوم طبیعی، به خروج از حد اعتدال و در فلسفه به تمایل حد وسط و گرایش به طرفی^۶ و از منظر حقوقی به انجام دادن عمل غیرقانونی^۷ و از منظر جامعه‌شناسی، به رفتار شکننده هنجارهای اجتماعی اطلاق شده است.^۸

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۱۱؛ دهخدا، فرهنگ دهخدا، ج ۵، ص ۶۷۸۶؛ معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۴۶۲؛ جمعی از پژوهشگران، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت علیهم‌السلام، ج ۲۸، ص ۱۷۱ و غدیری، القاموس الجامع للمصطلحات الفقهیه، ص ۸۳.

۲. معین، ج ۱، ص ۵۳۰ و راغب، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۴۷.

۳. خسرو، پناه، جریان شناسی فکری ایران معاصر، ص ۹؛ اسکندری، درسنامه جریان شناسی احزاب و گروه‌های زاویه دار در ایران، ص ۳۶ و مظفری، جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ص ۱۵.

۴. نساء: ۴۶ و مائده: ۱۳.

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۴۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳،

۶. صلیبیا، فرهنگ فلسفی، ج ۱، ص ۱۶۹.

۷. صدر، قرآن و پدیده انحراف در جامعه، ص ۱۶.

۸. سلیمی، جامعه‌شناسی کجروی‌ها، ص ۱۲۲.

۲-۳. مهدوی (مهدویت)

«مهدویت»، از نظر لغوی مصدر صناعی از واژه "مهدی" به معنای مهدی بودن و خود را مهدی نامیدن است^۱ و در اصطلاح، به مجموعه آموزه‌های اعتقادی، معرفتی، اخلاقی، فقهی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی و هر نوع آموزه دیگری اطلاق می‌شود که در زمینه باور به ظهور فردی از نسل پیامبر ﷺ در آخر الزمان است که بر اساس روایات وارد شده، تحولی شگرف در همه ابعاد هستی به وجود می‌آورد و نوید بخش آینده‌ای روشن در انتهای تاریخ برای بشر است.^۲ بنابراین، اصطلاح "جریان‌های انحرافی مهدوی" در این جستار، به گروه‌هایی اشاره دارد که ادعای مهدی بودن دارند یا به شخص یا نشانه‌ای خاص مرتبط با مهدویت معتقدند و تلاش می‌کنند آن را بر خود تطبیق دهند تا افراد را به سوی خود جذب کنند. این گروه‌ها از اصول و اعتقادات اصلی مهدویت خارج شده‌اند و یا تفسیرهای غیرقابل قبول از مفاهیم مرتبط با مهدویت ارائه می‌کنند. به طور کلی، جریان‌های انحرافی مهدوی ممکن است از محدوده اصلی اعتقادات و آموزه‌های مهدویت خارج شوند و یا به طور کامل با آن‌ها در تضاد باشند و ادعاهای خود را همراه با توهین به معتقدان اصلی مهدویت بنا کنند.

۲-۳. مدعی یمانی

جریان انحرافی مدعی یمانی (احمد الحسن) به گروهی اشاره دارد که معتقدند احمد اسماعیل بصری همان یمانی موعود است که در روایات اسلامی به ظهور او اشاره شده است.^۳ آنان معتقدند او مهدی اول و قائم آل محمد است و اطاعت از او واجب است و وی را فرزند امام

۱. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۱۸۷۷ و همان، فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۲، ص ۲۸۶۹.

۲. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (النور: ۵۵)؛ «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي، فَيَمْلؤها عدلا و قسطا كما ملئت جورا و ظلما» (صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷، ۳۱۸).

۳. فتحیه، همه گمراهند جز یمانی، ص ۱۴.

محمد بن الحسن العسکری می‌دانند؛^۱ در حالی که محققان، زادگاه او را روستای «همبوشی» در بصره معرفی و تاکید کرده‌اند که او با سادات نسبتی ندارد.^۲ این جریان در سال ۱۹۹۹ توسط احمد اسماعیل بصری در نجف اشرف به صورت مخفیانه پایه‌گذاری شد.^۳ سپس وی ادعا کرد که در سال ۱۳۸۱ شمسی از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دستور علنی کردن دعوتش را دریافت کرده است.^۴ احمد اسماعیل ادعاهای مختلفی دارد؛ اما یمانی بودن مشهورترین آن‌هاست و پیروانش، خود را «یمانی‌ها» می‌نامند. لذا در این تحقیق، این جریان را «مدعی یمانی» نامیده‌ایم.

۲-۴. مدعی خراسانی

جریان انحرافی «مدعی خراسانی» به گروهی اطلاق می‌شود که معتقدند، فردی به نام «منصور هاشمی»، همان خراسانی موعود است. نام اصلی منصور هاشمی، «علی رضا بابایی آریا»، دانش‌آموخته دانشگاه فردوسی مشهد در رشته الهیات در مقطع دکتری است که از سال ۱۳۸۵ در ایران به فعالیت مخفیانه فرقه‌ای اقدام کرده است. وی پس از بازداشت توسط نیروهای امنیتی و تحمل حبس، از سال ۱۳۹۰ به افغانستان متواری شد و به طور علنی به جذب پیروان، سازمان‌دهی و ایجاد تشکیلات پرداخت.^۵

این جریان تلاش دارد منصور هاشمی را مصداق خراسانی در روایات اسلامی معرفی کند که بر اساس برخی روایات، پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می‌کند. هاشمی خراسانی مدعی است که تمام خوانش‌های موجود از آموزه‌های اسلامی در میان مسلمانان نادرست و اشتباه

۱. درباره نسب او آمده است: «سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی است» (هفته نامه ظهور، شماره ۱۶۹، ص ۱).

۲. کورانی عاملی، دجال بصره، ص ۲۰ و شهبازیان، ره افسانه، ص ۱۳.

۳. همان و احمد الحسن، جامع ادله، ص ۳.

۴. احمد اسماعیل، پاسخ‌های روشن‌گر، ج ۱، ص ۱۷۳.

۵. هوشیار، توهم بازگشت، ص ۴۳.

است و تنها قرائت او از اسلام، بر حق و صحیح و با شکل اولیه و اصلی اسلام سازگار است.^۱ از این رو، جریان خود را به نام "نهضت بازگشت به اسلام" معرفی می‌کند.^۲

۲. شباهت‌های جریان مدعی یمانی (احمد الحسن) و جریان مدعی خراسانی (منصور هاشمی خراسانی)

بررسی شباهت‌های این دو جریان از چندین جهت ضروری و مفید است:

نخست آن که شناخت شباهت‌ها، درک ساختارها، فرایندها و مفاهیم هر دو جریان را آسان‌تر و پایه‌ای را برای یافتن تفاوت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد آن‌ها فراهم می‌کند؛ دوم این که این امر به پیش‌بینی رفتار یا نتایج آینده و همچنین شناسایی عوامل کلیدی موفقیت یا شکست هر دو جریان کمک می‌کند. برخی از شباهت‌های این دو جریان عبارت است از:

۱-۲. تشابه در ادعاها

یکی از مشترکات و تشابهات جریان‌های انحرافی یمانی دروغین و مدعی خراسانی، تشابه در برخی ادعاها است که عبارت است از:

۱-۱-۲. ادعای تطبیق نشانه ظهور

هر دو جریان تلاش دارند رهبران خود را مصداق عینی یکی از علائم ظهور معرفی کنند. در روایات مهدوی به نشانه‌هایی اشاره شده است که وقوع آن‌ها، بشارت از نزدیک بودن ظهور دارد. در میان این نشانه‌ها، روایاتی به چشم می‌خورد که از خروج افرادی قبل از قیام امام مهدی علیه السلام خبر می‌دهند که از جمله آن‌ها خروج شخصی به نام یمانی، و خروج فردی دیگر با عنوان خراسانی است.^۳ این روایات پایه و زیر بنای اصلی هر دو جریان را تشکیل می‌دهد. جریان

۱. هاشمی، بازگشت به اسلام، ص ۱۵.

۲. همان.

۳. طوسی، غیبت، ص ۴۴۶ و ۴۴۷ و نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۵.

مدعی یمانی، احمد اسماعیل را مصداق یمانی^۱؛ و جریان خراسانی، منصور هاشمی را مصداق خراسانی معرفی می‌کند.^۲

جریان منصور هاشمی خراسانی از دو شیوه «عقل» و «نقل» برای تطبیق نشانه خراسانی بر خود استفاده می‌کند. ابتدا در کتاب «هندسه عدالت»، لزوم وجود انسان کامل و ضرورت حکومت او را اثبات کرده و به دلیل عدم چنین حکومتی در حال حاضر، بر لزوم زمینه‌سازی برای حکومت انسان کامل تأکید می‌کند. سپس به روایات خراسانی اشاره و خراسانی را تنها فرد زمینه‌ساز معرفی می‌کند.^۳ پیروان این جریان، با توجیه و تأویل روایات و استناد به آیاتی از قرآن، سعی می‌کنند منصور هاشمی را مصداق معرفی کنند.^۴ آن‌ها چهار دسته از روایات مرتبط با مکان (خراسان)، پرچم، دعوت به سوی مهدی، و شخص دعوت‌کننده را که نام منصور در آن‌ها آمده است، بر منصور هاشمی تطبیق می‌دهند و با استفاده از اسم، پرچم، و منطقه دعوت، ادعای خود را مطرح می‌کنند.

قدر متیقن از روایات متواتر و مشهور، ظهور مردی از شرق خراسان بزرگ با پرچم‌های سیاه است. صرف نظر از نشانه‌های ظهور در روایات واحد، این نشانه‌ها در منصور هاشمی جمع است؛ خصوصاً این‌که پیش از او هیچ مردی با این نهضت و نشانه‌ها ظهور نکرده و پس از او نیز هرکس ظهور کند تحصیل حاصل است.

احمد الحسن نیز که ادعای یمانی بودن دارد، از روایاتی که در این زمینه وارد شده، بهره

۱. فتحیه، همه گمراه‌اند جز یمانی، ص ۵، ر.ک: گروه انصار امام مهدی، پاسخ‌های روشن‌گر، ج ۲، ص ۹۴-۱۰۰.

۲. رضوی، بررسی علل خودداری از همراهی با نهضت «بازگشت به اسلام» پس از علم به حَقانیت آن، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، بخش مقاله‌ها و نکته‌ها، کد ۸۳، سال ۱۳۹۷.

۳. متناسب مطالب برای اثبات جریان خراسانی به آن‌ها استناد می‌کند، ص ۶۶-۷۰. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/10374/>؛ و نیز ر.ک: هندسه عدالت به روایاتی که در پاورقی به

۴. مراجعه شود به کتاب هندسه عدالت.

۵. منصور هاشمی تنها نام او نیست، بلکه تفسیری نفس‌الامری دارد که از وجود عینی او مشتق شده است. او منصور است به قاعده «إِنَّهُمْ هُمُ الْمُتَّصِرُونَ»؛ چرا که به نصرت خدا قیام کرده و خداوند فرموده است: «ان تصروا الله ینصرکم» (پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، بخش درسها، درس ۱۲، ص ۷).

برداری کرده و دعوت خود را بر آن‌ها مبتنی کرده‌است. در کتاب «جامع ادله»، بعد از اشاره به برخی روایات مهدوی آمده است:

پایه و اساسی که این دعوت مبارک بر آن استوار است، تنها در یک عبارت خلاصه می‌شود: این که «سید احمدالحسن، وصی و فرستاده امام مهدی و یمانی موعود است.» عبارتی که بیان می‌دارد آن قائمی که زمین را پاکسازی می‌کند، شخصیتی است که امام مهدی گسیلش می‌دارد.^۱

این، در حالی است که در مورد ویژگی‌های یمانی، از روایات تنها می‌توان اصل وجود یمانی را اثبات کرد؛ اما مشخصات ظاهری، نام، قبیله و ویژگی‌های دیگر او ذکر نشده‌اند. روایات در این زمینه مبهم و متعارض هستند. بر اساس برخی روایات، یمانی در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده و فعال است. بر اساس برخی دیگر از روایات، او قبل از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کشته می‌شود و فرزند او جانشین وی می‌شود. همچنین در مورد زمان خروج یمانی و نقش او در مقابل سفیانی و خراسانی نیز تناقضاتی وجود دارد. در مجموع، تنها چیزی که می‌توان با اطمینان گفت، این است که یمانی از یمن خواهد آمد؛ اما تطبیق دقیق این فرد مشکل است و از مجموع هجده روایات در این زمینه دوازده مورد آن ضعیف ارزیابی شده است.^۲

احادیث خراسانی نیز بسامد چندانی در میان منابع روایی شععی ندارند و عمده منابع آن از اهل سنت، به ویژه کتاب الفتن نعیم بن حماد است^۳ که نشان دهنده تردید علمای امامیه در اصل این روایات می‌باشد.

این مقایسه نشان می‌دهد که این دو جریان، اعتبار خود را بر اساس تفسیر و تطبیق این روایات استوار کرده‌اند و با تکیه بر روایات مهدویت و تطبیق نشانه‌های ذکر شده در آن‌ها، تلاش می‌کنند رهبران خود را به عنوان افراد مهم و بشارت دهنده ظهور امام مهدی معرفی کنند. این

۱. احمد الحسنی، جامع ادله، ص ۱۳.

۲. کنکاشی در شناسایی یمانی و مدعیان دروغین آن، خبرگزاری اهل بیت، ۱۳۹۴/۲/۶.

۳. صادقی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، ۲۱۷-۲۲۹.

روند نشان دهنده اهمیت روایات مهدویت در شکل‌گیری و مشروعیت بخشی به این جریان‌ها است. در واقع، این تحلیل تطبیقی، به ما نشان می‌دهد که چگونه دو جریان مختلف، با استفاده از نشانه‌های مشابه، رهبران خود را به عنوان مصداق این نشانه‌ها مطرح می‌کنند تا اعتبار و مشروعیت خود را در میان پیروانشان تقویت کنند.

۲-۱-۲. ادعای نیابت، وصایت و جانشینی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

تشابه دیگر این دو جریان در نوع ادعاها، ادعای نیابت، وصایت و جانشینی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. هم جریان خراسانی و هم مدعی یمانی بر این باور هستند که خراسانی و یمانی، نایبان و جانشینان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند. در همین زمینه جریان منصور هاشمی بر این باور است:

روایاتی در دست هستند که از تداوم خلافت پس از مهدی و انتقال آن به یازده یا دوازده مهدی دیگر از فرزندان حسین خبر می‌دهند که نخستین آنان، مردی خراسانی به نام «منصور» است.^۱

یا این که احمد الحسن برای اثبات ادعای خود و این که وی طبق «حدیث وصیت»، وصی حضرت مهدی است، می‌نویسد:

این، وصیتی است که محمد رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم آن را در شب وفاتش نوشته است و از هزاران سال پیش در کتاب‌ها موجود است. هرکسی می‌توانسته است آن را بخواند و از آن آگاه شود؛ ولی ادعای آن برای افراد باطل امکان‌پذیر نبوده است... این که توصیف این نوشتار به این که به خودی خود بازدارنده از گمراهی است؛ به این معناست که کسی غیر از صاحبش نمی‌تواند آن را ادعا کند؛ کسی که محمد رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم وی را ذکر کرده است. در نتیجه هرکس ادعای وصیت کند راستگو و صاحب آن است.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، بخش پرسش و پاسخ‌ها، کد ۱۲۳. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/6362/>.

این مطلب به عنوان دلیلی کامل و حجتی بر حقانیت این دعوت کافی است. هرکس خواهان حق و حقانیت این دعوت است، وصیت و ادعای من که در وصیت یاد شده‌ام، او را کفایت می‌کند!^۱

به نظر می‌رسد که این‌گونه تلاش برای معرفی خراسانی و یمانی، به عنوان مهدیان دوازدهگانه، نایب یا جانشین و یا وصی حضرت مهدی؛ برای آن است که بتوانند، جایگاه یمانی و خراسانی را تا حد عصمت بالا ببرند و با ارائه چهره‌ای معصوم و در حد ائمه عجل الله فرجه از آن‌ها، پیروی از دو مدعی را بر اساس لزوم پیروی از حجت‌های الهی توجیه کنند. بر همین اساس، احمد الحسن در این زمینه می‌نویسد:

در خصوص اوصاف و ویژگی‌های شخصیت یمانی: ... اول، بر هیچ مسلمانی جایز نیست از او سرپیچی کند؛ هرکس چنین کند اهل آتش [جهنم] است و این به آن معناست که یمانی صاحب ولایت الهی است... ولایت اهل بیت عجل الله فرجه حسنه‌ای است که هیچ سیئه‌ای با وجود آن آسیبی نمی‌رساند و نیز دژی است که هرکس در آن داخل شود، از عذاب در امان خواهد داشت. برای ما روشن خواهد شد که نافرمانی از یمانی، به معنای خارج شدن از این دژ و این ولایت خواهد بود ... یمانی - حتما و یقیناً - حجتی از حجت‌های خداوند است.^۲

جریان منصور هاشمی خراسانی نیز که شعار عدم مشروعیت حکومت غیر معصوم را سر می‌دهد و هر حکومتی را که معصوم بر آن حاکم نباشد، باطل و طاغوتی می‌داند؛ با توجه به این‌که بر اساس ادعای مذکور، خراسانی را جانشین و خلیفه پس از حضرت مهدی می‌دانند؛ ناگزیز باید به عصمت او نیز قائل باشند؛ همچنان‌که هاشمی خراسانی تفکر خود را در عرض تفکر انبیا

۱. احمد الحسن، جامع ادله، ص ۱۹۴-۱۹۵ و نیز ص ۱۸۳؛ آن مهدی که از اولاد صاحب الزمان عجل الله فرجه است و قبل از پدرش می‌آید و اطاعت از او واجب است و به عنوان یمانی موعود معرفی شده؛ در زمان حیات پدرش امام مهدی و بلکه قبل از ظهور امام مهدی عجل الله فرجه نیز وصی و جانشین و حجت خداست و وارث وصیت ائمه است. (فتحیه، همه گمراهند جز یمانی، ص ۷۰).

۲. احمد الحسن، جامع ادله، ص ۱۵۹-۱۶۱ و فتحیه همه گمراهند جز یمانی آل محمد، ص ۱۷-۱۸.

معرفی و تاکید می‌کند که سخنان وی از دسترس اندیشه‌های عادی مردم به دور است.^۱ در نقد و پاسخ به این ادعاها باید گفت، اولاً، شاهی بر عصمت و یا نیابت آن‌ها، از امام زمان علیه السلام در احادیث معتبر وجود ندارد و آنچه به عنوان پایه ادعایی جریان یمانی و خراسانی در مورد مهدیان دوازده‌گانه قرار گرفته، از لحاظ سندی و محتوایی دچار اشکال است که در جاهای مختلف نقد و بررسی شده است.^۲ علاوه بر این، با انحصار عدد ائمه علیهم السلام در دوازده، مخالف و معارض است.

نکته دوم اتخاذ رویکرد دوگانه این دو جریان با روایات مورد استناد یکدیگر است. بر همین اساس، زمانی که جریان خراسانی تلاش می‌کند تا بطلان قیام یمانی را اثبات کند، «حدیث وصیت» را حدیثی واحد، داری ضعف سندی و معارض با روایات دیگر می‌داند؛^۳ ولی زمانی که می‌خواهد منصور هاشمی را به عنوان جاشین پس از مهدی علیه السلام معرفی کند، به همین حدیث البته به صورت اشاره اجمالی به مضمون آن استناد می‌کند.^۴ طرفداران جریان احمد الحسن نیز با این‌که شخصیت خراسانی را رد می‌کنند؛^۵ تلاش دارند در صورت امکان، احمد الحسن را مصداق همان روایات بدانند و در غیر آن صورت، به توجیه روایات خراسانی و حقانیت آن می‌پردازند.^۶ نکته سوم این‌که این‌گونه تلاش‌ها برای آن است که آن‌ها از خود چهره‌ای فرهمند (کاریزماتیک) بسازند. این نکته نشان‌دهنده تلاشی عمدی برای ارائه تصویری فراتر از مستندات روایی معتبر در میان این جریان‌های انحرافی است.

پاسخ چهارم را از سوی منصور هاشمی به جریان یمانی می‌دهیم که البته عین این جواب بر

۱. ر. ک: هاشمی خراسانی، هندسه عدالت، ص ۷۳.

۲. برای نمونه محمد حسین فیض اخلاقی در مقاله‌ایی با عنوان «نقد حدیث وصیت با تاکید بر منحصر به فرد بودن امامان علیهم السلام» در عدد دوازده بع نقد این روایت پرداخته است.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، خلیلی، آشنایی با مدعیان دروغین، احمد الحسن بصری، کد ۶۹.

۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، بخش پرسش و پاسخ‌ها، کد ۱۲۳.

۵. فتحیه، همه گمراهند جز یمانی، ص ۲۵.

۶. همان، ص ۴۹، ۵۲، ۵۴ و ۷۰.

خود او نیز وارد است. جریان مدعی خراسانی، در نفی مشروعیت مدعی یمانی می‌گوید:

هیچ دلیل دیگری وجود ندارد که احمدالحسن، مصداق همان یمانی مذکور در روایات باشد و این تنها ادعایی بدون دلیل از سوی اوست که در حکم کذب شمرده می‌شود؛ زیرا مفهوم کلی و روایی یمانی قابل صدق بر هر مردی از یمن است و هر کس ادعا می‌کند یمانی است، باید برای آن دلیل بیاورد...^۱

پاسخی که عینا بر خود مدعی خراسانی نیز وارد است.

۲-۱-۳. ادعای منحصر به فرد بودن جریان‌ها در طول تاریخ

تشابه دیگر این دو مدعی دروغین، منحصر به فرد بودن ادعاهای آن‌ها در طول تاریخ است. با توجه به این‌که عنوان خراسانی، و یمانی، عنوان عام و کلی است؛ می‌تواند بر هر فردی که از ناحیه خراسان و یمن باشد، اطلاق شود. به بیان دیگر، این عناوین، دایره‌ای بسیار عام و فراگیر دارند؛ به گونه‌ای که معیار و ملاکی برای سنجش ادعای افراد در دست نیست، تا بتوان به صورتی یقینی و یا حداقل اطمینان آور به این نتیجه رسید که ادعای مدعی، با همان روایات مورد ادعا مطابق است یا خیر.

بر همین اساس، چنین جلوه می‌دهند که اولاً، کسی پیش از آن‌ها نبوده که چنین ادعاهایی را مطرح کرده باشد و اگر بر فرض کسی در آینده چنین ادعایی کرد، به باور جریان خراسانی این ادعا تحصیل حاصل است؛ زیرا امری که یک بار واقع شده است، نمی‌تواند مصادیق متعدد داشته باشد.^۲

به عقیده پیروان جریان انحرافی یمانی نیز، چیزی که در روایات ظهور او را بشارت داده‌اند، محال است توسط مدعیان دروغین ادعا شود، بلکه خداوند آن امر را تا زمان فرارسیدن زمان آن،

۱. پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، خلیلی، آشنایی با مدعیان دروغین، احمد الحسن بصری، کد ۶۹

۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، رضوی، بررسی علل خودداری از همراهی با نهضت «بازگشت به اسلام» پس از علم به حقایق آن، کد ۸۳، <https://www.alkhorasani.com/fa/content/10374/>

از گزند مدعیان حفظ می‌کند تا به صاحب اصلی آن برسند. بر همین اساس نیز یکی از استدلال‌هایی که احمد الحسن برای اثبات حقانیت خود از آن استفاده می‌کند؛ همین است. از این رو، او مدعی است که تاکنون هیچ کس به حدیث وصیت به غیر از او استناد نکرده است.^۱ سپس با توجیه‌هایی که از روایات دارند و با توجه به این که در روایت T پرچم یمانی هدایت یافته‌ترین پرچم توصیف شده است؛ شخصیت یمانی و مهدی اول را یکی دانسته و آن دو را بر هم منطبق می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرند که چنین ادعایی در طول تاریخ منحصر به فرد بوده است.

بنابراین، این جریان‌ها سعی دارد با استفاده از استدلال‌های خاص خود، به پیروان نشان دهد که ادعایش واقعی و منحصر به فرد است. جریان خراسانی معتقد است که ادعای این جریان، نمی‌تواند مصادیق متعدد داشته باشد؛ در حالی که جریان یمانی معتقد است خداوند این امر را تا زمان فرارسیدن آن از گزند مدعیان دروغین حفظ می‌کند و البته هر دو جریان، با وجود استناد هر دو گروه به روایات، همدیگر را رد می‌کنند و دیگری را باطل می‌دانند. این امر نشان دهنده این مطلب است که تطبیق این دو نشانه به دلیل ابهام در شناخت مصداق حقیقی یمانی و خراسانی بسیار سخت و دشوار است و از طرفی از سوی هرکسی می‌تواند مطرح شود؛ به ویژه با توجه به توجیهاتی که این دو جریان از روایات دارند.

این جریان‌ها در حالی ادعای انحصار تطبیق روایات بر جریان خود را دارند که گویا اصلاً احاطه‌ای به تاریخ و سابقه ادعای مدعیان پیش از خود ندارند و یا این که عمداً از آن‌ها چشم‌پوشی می‌کنند؛ زیرا بر خلاف این ادعا، جریان‌ها و مدعیانی بوده‌اند که هم ادعای خراسانی بودن داشته‌اند و هم ادعای مدعی یمانی بودن؛ چنان که به شهادت تاریخ، شعار حکومت بنی‌عباس و شروع نهضت آن‌ها با عنوان خراسانی و پرچم‌های سیاه و دعوت به «الرضا من آل محمد ﷺ» بوده و در منابع تاریخی از عنوان «مسوده» و «رایات سود» در معرفی آن‌ها استفاده شده است.^۲ چنان که مقدسی در کتاب البدع و التاریخ در باب خروج المهدی گزارش‌هایی را ذکر

۱. عقیلی، وصیت و وصی احمد الحسن، ص ۱۷۳.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۳۵۶ و اخبار دوله العباسیه، ص ۲۴۵.

کرده است، مبنی بر این که افرادی خود را به عنوان یمانی و قحطانی معرفی کرده‌اند.^۱ یا به عنوان نمونه، افرادی، «حوثی‌ها» ی یمن را به عنوان یمانی معرفی می‌کنند (که البته از سوی خودشان چنین ادعایی وجود ندارد) یا در عراق فردی با عنوان «ابی عبدالله الحسینی القحطانی» معروف به «حیدر مشتت» خود را به عنوان یمانی معرفی کرد.^۲ بنابراین، نه تنها کلیت ادعای انحصار نقض می‌شود؛ بلکه کذب بودن آن نیز روشن می‌گردد.

۲-۱-۴. ادعای زمینه‌سازی

زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام، یکی دیگر از تشابهات جریان انحرافی یمانی و خراسانی در عرصه مهدویت است. هر دو جریان ادعا می‌کنند که زمینه ساز ظهور حضرت مهدی هستند و هر دو جریان با نفی زمینه‌سازان دیگر، خود را به عنوان زمینه‌ساز اصلی ظهور می‌دانند. ناظم عقیلی از نویسندگان جریان احمدالحسن می‌نویسد:

همان طور که رسول خدا در وصیت خود با عبارت «اولین مقربین مهدیین اولین مؤمنان» او را توصیف کرده است و همین طور روایات دیگری که بیان کرده اند او زمینه ساز اصلی امام مهدی است.^۳

هاشمی خراسانی نیز با نفی جریان‌های زمینه‌ساز دیگر بیان می‌کند:

پیش از حکومت انسان کامل، هیچ نهضت اصلاحی یا انقلابی دیگری در جهان غیر از این نهضت زمینه‌ساز، نمی‌تواند مشروع و قابل توجیه باشد... بنابراین، راهنمای شایسته [= هاشمی] از طریق تشکیل یک حکومت انتقالی زمینه را برای تحقق حاکمیت مهدی علیه السلام فراهم می‌نماید.^۴

استدلال این دو گروه، بر این اساس است که زمینه‌سازی برای ظهور، مانند خود حکومت

۱. مقدسی، البدع والتاریخ، ج ۱، ص ۳۸۴.

۲. کنکاشی در شناسایی یمانی و مدعیان دروغین، خبرگزاری اهل بیت علیهم السلام تاریخ درج: ۱۳۹۴/۲/۶.

۳. عقیلی، وصیت و وصی احمد الحسن، ص ۲۱۴.

۴. هاشمی خراسانی، هندسه عدالت، ص ۶۰.

معصوم انحصاری است. لذا تنها یکی از جریان‌هایی که مدعی زمینه‌سازی است می‌تواند زمینه-ساز واقعی باشد و لا غیر.

اما باید توجه داشت که وجود زمینه‌سازان مختلف برای هر امری تا زمانی که به تقابل با یکدیگر کشیده نشود، منافاتی با هم ندارند و از طرفی، ادعای زمینه‌سازی که هر دو دسته مدعی آن هستند، بر اخبار و روایات وارد شده مبتنی است که با توجه به روایات مختلف در این زمینه، مانند ظهور خراسانی و یمانی و دیگران به عنوان زمینه‌ساز، ادعای انحصار زمینه‌سازی، با فضای روایات مخالف است و هر دو مدعی، ادعای خود را به همین روایات مستند می‌کنند.

علاوه بر این، چنین ادعایی که به عنوان یکی از شباهت‌های کلیدی بین این دو جریان مطرح است؛ به عنوان ویژگی مشترک بین این دو جریان، نشان‌دهنده تشابه در ایدئولوژی و اهداف آن‌ها است؛ زیرا این ادعا، علاوه بر ایجاد مشروعیت، می‌تواند به عنوان ابزاری برای جذب پیروان بیش‌تر به کار گرفته شود. با ادعای زمینه‌سازی برای ظهور، این جریان‌ها می‌توانند پیروان خود را قانع کنند که نقشی مهم و الهی در فرآیند ظهور ایفا می‌کنند. افزون بر این، می‌توانند خود را به عنوان بازیگر کلیدی در فرآیند ظهور حضرت مهدی معرفی می‌کنند.

۲. تشابه در الگوها و روش جذب

یکی دیگر از تشابهات جریان مدعی یمانی و خراسانی، استفاده از الگوها و روش‌های جذب مشترک در میان جامعه است. تخریب نهادهای رسمی مذهبی و حاکمیتی جامعه، یکی از الگوها و روش‌های مشترک مورد استفاده توسط جریان‌های مدعی یمانی و خراسانی می‌باشد. این نوع استراتژی‌ها می‌توانند شامل چندین جنبه باشند:

۲-۱. تخریب اعتبار نهادهای مذهبی، سنتی و رسمی

تخریب اعتبار نهادهای مذهبی سنتی و رسمی جامعه، یکی از اشتراکات این دو جریان است؛ به گونه‌ای که هر دو جریان موضعی انتقادی و حتی خصمانه در برابر نهادهای مذهبی در جامعه

دارند. این موضع‌گیری‌ها، نقد علما و مراجع تقلید، حوزه‌های علمیه^۱ و سایر نهادهای دینی را شامل می‌شود که در جامعه به عنوان نمایندگان دین و مذهب شناخته می‌شوند.^۲ بر همین اساس، این جریان‌ها خود را نماینده مبانی و آموزه‌های درست دینی در جامعه می‌دانند و بر این باور هستند که جامعه اسلامی دچار انحراف شده است و نماینده نهادهای مذهبی در جامعه، موجب انحراف و گمراهی مسلمانان هستند. لذا تنها قرائت صحیح و منطبق با شکل اولیه تعالیم اسلامی، خوانشی است که این جریان‌ها از اسلام دارند. بر اساس همین تفکر، جریان مدعی خراسانی نام دیگری برای خود برگزیده است: «نهضت بازگشت به اسلام».

۲-۲. انتقاد از مشروعیت و عملکرد

«مشروعیت»، به معنای پذیرش و تأیید مذهبی، عمومی و قانونی هر نهاد یا مقام است. انتقاد از مشروعیت و عملکرد نهادهای رسمی مذهبی و حاکمیتی توسط جریان‌های مدعی یمانی و خراسانی، می‌تواند به چندین شیوه و با اهداف مختلف صورت گیرد. این انتقادات معمولاً برای

۱. «اگر نهضت او به شیعه ضربه می‌زند و جایگاه علما و نقش محوری حوزه‌های علمیه را تضعیف می‌کند، برای آن است که به ظهور امام مهدی علیه السلام و تحقق حاکمیت اهل بیت می‌انجامد و ظهور امام مهدی علیه السلام تحقق حاکمیت اهل بیت، بساط شیعه تقلبی را جمع می‌کند و دکان علمای خائن و حوزه‌های علمیه وابسته را می‌بندد و به دوران سلطه شما بر جان و مال و آبروی مردم پایان می‌دهد» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، نقد و بررسی، کد ۹۴، <https://www.alkhorasani.com/fa/content/9138/>).

۲. همچنین در پرتو آنچه پیش‌تر ارائه شد، یک نتیجه حتمی وجود خواهد داشت؛ نتیجه‌ای که با وجود این طاغوتیان یا علمای بی‌عمل نباید از آن غافل شویم یا آن را نادیده بگیریم؛ همان کسانی که نمی‌خواهند به سخن پاک و طیب گوش بسپارند و خواستار تحقیقی بی‌طرفانه در خصوص تمدن حقیقی الهی نیستند و نیز خواستار تخریب و انحراف تمدن حقیقی الهی و گسترش دگرگونی و مسخ شدن شیطان‌ها بر این زمین و گمراه کردن مردم و به انحراف کشیدن آن‌ها هستند، تا به این ترتیب پیروانی برای ابلیس (لعنت الله علیه) در نپذیرفتن سجده بر آدم - خلیفه و جانشین خداوند در زمینش - باشند (عقلی، وصیت و وصی احمد الحسن، ص ۱۰۳).

بل عالمانشان از ثروتمندان و قدرتمندانشان مغرورترند؛ چرا که احترام مسلمانان به آنان بیش‌تر و تملقشان از آنان شدیدتر است؛ تا جایی آنان را درباره خود به اشتباه انداخته و به این توهم دچار کرده است که از دیگران برترند... مسلم است که برخی عوام مسلمانان، از برخی عالمانشان با تقواتر و طبعاً گرامی‌ترند. بل من هیچ گروهی از مسلمانان را نیافته‌ام که به اندازه عالمانشان دوستدار تملق و ستایش باشند. (هاشمی خراسانی، بازگشت به اسلام، ص ۸۴-۸۵).

تضعیف اعتبار و نفوذ این نهادها و جلب حمایت مردم به سوی خودشان طراحی می‌شوند. در ادامه، دو شیوه از شیوه‌ها و جوانب مختلف این انتقادات توضیح داده می‌شود:

۲-۲-۱. نقد تاریخی مشروعیت نظریه ولایت فقیه

این جریان‌ها، با اشاره به تاریخچه تأسیس و تطور نهادهای رسمی، مانند حکومت بر پایه نظریه ولایت فقیه، مشروعیت نهاد حاکمیت را با تردید مواجه می‌کند. برای مثال، ادعا می‌کنند که این نظریه بر پایه اصول نادرست یا تفسیرهای غلط از دین بنا شده است. آن‌ها تلاش می‌کنند برای اثبات مدعای خود، با بازنگری تاریخ و نحوه شکل‌گیری نظریه ولایت فقیه، مشروعیت آن مورد تردید قرار دهند؛ چنان‌که ادعا می‌کنند این نهاد از ابتدا به درستی و به طور مشروع تأسیس نشده، بلکه با انحراف از اصول و آموزه‌های اصلی دین ایجاد شده است. به بیان دیگر، ولایت فقیه را محصول انحراف از متون مقدس و سنت‌های مذهبی می‌دانند.^۱

این جریان‌ها در تلاش هستند تا از این طریق، مشروعیت رهبران و اعضای نهادهای رسمی را به چالش بکشند، و چنین القا کنند که آن‌ها با استفاده از قدرت‌های غیردینی به موقعیت‌های خود دست یافته‌اند. لذا از مشروعیت دینی برخوردار نیستند.

۲-۲-۲. تخریب مشروعیت با انتقاد از عملکرد

القای ناکارآمدی نظام‌های حاکم در جامعه و گره زدن ریشه مشکلات اعضای جامعه به مسائل اعتقادی، از روش‌ها و الگوهای مشترک این دو جریان است؛ از این‌رو، جریان مدعی یمانی و مدعی خراسانی، با تأکید بر فساد و ناکارآمدی نهادهای رسمی، ادعا می‌کنند که این نهادها در عرضه خدمات مذهبی و یا اجتماعی و سیاسی، عملکرد مناسبی ندارند و در این زمینه

۱. منصور، ولایت فقیه در زمان غیبت، ۱۱-۱۴. کل کتاب برای نفی مشروعیت از ولایت فقیه با استناد به سیره علمای پیشین و نظرات آن‌ها و... اختصاص دارد. (هاشمی خراسانی، بازگشت به اسلام، ص ۵۲-۵۴؛ پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، حسینی، نظریه ولایت فقیه بدعت فقهی فقهای آخر الزمان یا بن بست لاینحل مشروعیت؟!، کد ۳۳).

ناکام مانده‌اند.^۱ آن‌ها از این طریق تلاش دارند تا قدرت نهادهای رسمی در جامعه را به چالش بکشند و با استفاده از این شیوه که می‌تواند، ابزار قدرتمندی در جذب افراد ناراضی و کم-برخوردار عمل کند؛ اقتدار نهادهای رسمی جامعه را کاهش دهند و با سر دادن شعارهای آرمان‌گرایانه و تحریک حس فزون‌خواهی افراد؛ از این روش برای تضعیف رقبا و تقویت موقعیت خود در جامعه استفاده کنند.

بنابراین، این دو جریان، با شیوه دشمن‌نشان دادن نهادهای مذهبی و سیاسی حاکم بر جامعه، و معرفی آن‌ها به عنوان تنها مانع حل مشکلات؛ برای اتحاد درون‌گروهی و همین‌طور ایجاد حس تنفر از نهاد های رسمی بهره می‌گیرند. چنان‌که هوفر بر این نکته تأکید می‌کند:

ایجاد نفرت، دسترس‌پذیرترین و فراگیرترین عامل وحدت بخش برای تقابل با نهادهای رسمی و سنتی است که شخص را از خود دور می‌کند، در این شرایط افراد برای از بین بردن دشمن مشترک، متحد گشته و این امر، عامل بقای گروه می‌گردد.^۲

از سوی دیگر، پایه‌های مردمی نهادهای سنتی که از مهم‌ترین عوامل بقای نهادهای رسمی و سنتی هستند، تضعیف و با چالش روبه‌رو می‌گردد. بر همین اساس، مدعی یمانی و خراسانی، از تخریب نهادهای دینی و حاکمیتی و گسترش ادبیات انتقادی در جامعه اهدافی دارند که از

۱. حاکمان وقت ایران نه تنها در عمل به وعده‌های خود مبنی بر ایجاد رفاه و بهبود وضعیت معیشتی مردم با استقرار حکومت دینی و تشکیل جامعه اسلامی ناکام مانده‌اند، بلکه در جهت کاملاً بر عکس ریشه دینداری را در جامعه خشکانده‌اند... بدون شک، دین‌گریزی مردم ایران که خصوصاً در اعتراضات ماه‌های گذشته با جلوه‌هایی از دین‌ستیزی نیز همراه بوده است؛ ثمره کاشت نهال و آبیاری شجره خبیثه‌ای است که با اعتماد اشتباه به فقها و سپردن امر دین به آنان به جای انتخاب خلیفه معصوم خدا و سپردن حکومت به او شکل گرفته است. پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، رضوی، از حرف تا عمل؛ کارنامه نظام جمهوری اسلامی ایران، کد ۱۲۰، جمهوری اسلامی. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/15417/>؛ کتاب هندسه عدالت از هاشمی خراسانی به دنبال القای همین فکر به مخاطب خود است؛ احمد الحسن، جامع ادله، ص ۹ و ۲۶؛ ر.ک: همان، حاکمیت الله نه حاکمیت مردم، ۵۶-۹؛ ر.ک: به پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی؛ مقالات ساحق، فردای سقوط، کد ۱۱۸، گلستان، نگاهی به وضعیت ایران و عربستان پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام، کد ۱۱۹ و...).

۲. ر.ک: هوفر، تأملاتی درباره سرشت جنبش‌های توده‌وار، ص ۹۹.

جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- جلب حمایت عمومی: با تضعیف اعتبار نهادهای رسمی، این جریان‌ها می‌توانند حمایت عمومی بیش‌تری را به سوی خود جلب کنند؛
 - سلب اعتماد عمومی از نهادهای موجود در جامعه: این جریان‌ها، با انتقاد از مشروعیت و عملکرد نهادهای رسمی مذهبی و حاکمیتی، سعی می‌کنند اعتبار و اعتماد عمومی را به این نهادها کاهش دهند؛
 - تقابل با اقتدار دینی: نهادهای مذهبی رسمی اغلب دارای اقتدار و نفوذ فراوانی در جامعه هستند و همین نفوذ و اقتدار نهادهای مذهبی مانع بزرگی برای گسترش افکار انحرافی این‌گونه جریان‌هاست. جریان‌های انحرافی با موضع‌گیری علیه این نهادها، سعی می‌کنند اقتدار آن‌ها را تضعیف و جایگاه خود را تقویت کنند؛
 - ایجاد تمایز: این جریان‌ها با اتخاذ مواضع متفاوت و حتی مخالف با نهادهای رسمی، تلاش می‌کنند خود را متمایز کنند و به پیروان خود نشان دهند که راه و روش آن‌ها از جریان اصلی و سنتی متمایز است تا برخی افراد جویای معنویت را در جامعه که به هر دلیل از نهادهای رسمی جامعه ناراضی هستند، به سوی خود جذب کنند. این افراد ممکن است به دنبال جایگزینی باشند که به نیازها و خواسته‌های روحی و معنوی آن‌ها پاسخ دهد؛
 - تحریک به نافرمانی: تشویق به نافرمانی مدنی یا مذهبی علیه نهادهای رسمی نیز می‌تواند بخشی از اهداف این دو جریان باشد؛
 - تغییر ساختار قدرت: نهایتاً این انتقادات می‌توانند به تغییر ساختار قدرت و تأسیس نهادهای جدید و موازی که از سوی این جریان‌ها هدایت می‌شوند؛ منجر گردند.
- به طور کلی، انتقاد از مشروعیت و عملکرد نهادهای رسمی، ابزاری برای جریان‌های مدعی ایمانی و خراسانی است که از آن برای تضعیف رقبای خود و تقویت موقعیت خویش در جامعه استفاده می‌کنند. این دو جریان صرف نظر از شباهت‌ها، تفاوت‌هایی دارند که در ادامه بررسی می‌کنیم:

۳. تفاوت‌های جریان مدعی یمانی (احمد الحسن) و جریان مدعی خراسانی (منصور هاشمی خراسانی)

بررسی تفاوت‌های دو پدیده در مطالعات تطبیقی، از اهمیت فراوانی برخوردار است و این ضرورت به دلایل مختلفی در حوزه‌های گوناگون علمی، فرهنگی و اجتماعی وجود دارد. بررسی تفاوت‌های دو گروه و دو جریان در مطالعات تطبیقی، به ما امکان می‌دهد دانش و فهم خود را گسترش دهیم، انتخاب‌ها و تصمیمات بهتری داشته باشیم و با ارتقا و پیشرفت در زمینه‌های مختلف در مقابله با جریان‌های انحرافی مهدوی موفق‌تر عمل کنیم. از این رو، در ادامه به اختصار به برخی از تفاوت‌های این دو جریان اشاره می‌کنیم:

۳-۱. تفاوت و تمایز در ادعا

جریان‌های یمانی و خراسانی دروغین، همان‌طور که بیان شد، در ادعا و تلاش برای شبیه‌سازی نشانه‌های ظهور با یکدیگر اشتراک دارند؛ با این حال، هر یک از این دو جریان، نشانه‌ای متفاوت بر خود منطبق کرده‌اند. بنابراین، با وجود شباهت در ادعاها، همین تفاوت در تطبیق نشانه‌ها و ادعاها نیز میان این دو جریان وجود دارد:

۳-۱-۱. تفاوت در تطبیق نشانه‌ها

تفاوت در تطبیق نشانه‌ها، نشان‌دهنده رویکردهای متفاوت آن‌ها در جلب حمایت و مشروعیت‌بخشی به خود است که می‌تواند به رقابت میان این دو جریان برای به دست آوردن پیروان منجر شود؛ چنان‌که در کانال اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، "الحمد الحسن" به عنوان مدعی دروغین یمانی معرفی و تأکید شده است که پیروی از او بر خلاف مدعی خراسانی، فاقد دلیل شرعی و عقلی است. بر همین اساس، جریان خراسانی در ضمن همان نقد، بر مشروعیت جریان خراسانی و وجوب متابعت از او در مقابل مدعی یمانی تأکید می‌ورزد.^۱ در مقابل، جریان مدعی یمانی، این ایده را ترویج می‌کند که از میان پرچم‌هایی که قبل از

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، خلیلی، آشنایی با مدعیان دروغین، احمد الحسن بصری، کد ۶۹.

ظهور برافراشته می‌شوند، پرچم خراسانی، قطعاً باطل است، حتی اگر این پرچم برای مقابله با دشمنان حضرت مهدی، مانند سفیانی برافراشته شود. این جریان تاکید می‌کند که هیچ نصی در تایید پرچم خراسانی وجود ندارد، بلکه این پرچم یمانی است که از آن به «پرچم هدایت» تعبیر شده است. از این رو، خراسانی به دلیل مخالفت خود با یمانی، اهل آتش است!^۱ بدین ترتیب، پرداختن به اختلافات این دو جریان توسط پژوهشگران می‌تواند این دو جریان را در مقابل هم قرار دهد، و مخاطبان را نسبت به حقانیت هر دو گروه با تردید مواجه کند که در نتیجه، زوال هر دو جریان سرعت می‌گیرد.

۳-۱-۲. تفاوت در ادعای مهدویت

تفاوت دیگر جریان‌های مدعی یمانی و خراسانی، تفاوت در ادعای مهدویت است که این ادعا، دو جریان مذکور را از هم متمایز می‌کند. از این رو، می‌توان جریان خراسانی را مروج اندیشه «مهدویت نوعی»^۲، و جریان یمانی را طرفدار «مهدویت شخصی» دانست. همچنین، جریان یمانی دروغین، ادعا می‌کند که احمد الحسن همان مهدی موعود و قائم آل محمد است^۳، و تمام روایات مهدوی را به نفع یمانی دروغین تفسیر و تاویل می‌کند و در صدد است تا نقش اصلی در زمان ظهور را به احمد الحسن نسبت دهد.^۴ در همین حین، جریان خراسانی این نقش را به پس از ظهور انتقال داده و مدعی است که بعد از حضرت مهدی، منصور، خلیفه و جانشین

۱. فتحیه، همه گمراهند جز یمانی، ص ۲۵ (البته باید به تعارض و تناقض در این جریان توجه شود؛ چون بر خلاف ادعای فتحیه در همین کتاب، احمد الحسن، به روایاتی استناد می‌کند که مشروعیت خراسانی را می‌رساند. احمد الحسن، از تو درباره عقاید اسلام می‌پرسند، ص ۸۴).

۲. جریان خراسانی می‌نویسد: «منصور هاشمی خراسانی - حفظه الله تعالی - مردم را به پذیرفتن امامت فرزند «حسن عسکری» دعوت نمی‌کند، بلکه به پذیرفتن امامت مهدی دعوت می‌کند، قطع نظر از این که همان فرزند حسن عسکری باشد یا فردی دیگر» (پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، بخش چرسش و پاسخ، کد ۴۶۱ بخش تعلیق ۲.

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/12709/>

۳. احمد الحسن، جهاد درب بهشت، ص ۱۴ و فتحیه، همه گمراهند جز یمانی، ص ۶۱ و ۷۰.

۴. ر. ک: احمد الحسن، جامع ادله، ص ۱۳ و کامیاب، بررسی و نقد تعدد قائمیت در جریان انحرافی احمد اسماعیل، ص ۷۹.

است نه پیش از آن. بر همین اساس، نقدهایی را به جریان احمد الحسن وارد کرده و به دلیل این اندیشه (قائمیت یمانی) آن‌ها را کافر و منحرف دانسته است.^۱

۲-۳. تمایز در منطقه جغرافیایی دو جریان

یکی دیگر از تفاوت‌های جریان خراسانی و یمانی دروغین، تفاوت در «منطقه جغرافیایی» ادعا است. به همین دلیل، جریان خراسانی به سبب آن‌که ابتدا دعوت و ادعای خود را از مناطق شرق ایران و به اصطلاح منطقه خراسان آغاز کرده، نشانه‌ای را برگزیده است که با تاریخچه و فرهنگ منطقه همخوانی داشته باشد و از این رهگذر بتواند در جذب پیروان محلی موفقیت بیشتری کسب کند. بر همین اساس شاید بتوان گفت که در این زمینه هوشمندی بیشتری از مدعی یمانی به خرج داده و به تناسب منطقه‌ای که در آن حضور دارد، از نشانه‌های ظهور بهره برده است. برخلاف مدعی یمانی که زادگاه وی یکی از توابع شهرستان بصره در عراق است. از این رو، یکی از ایرادهای اساسی وارد شده بر ادعای او، عدم تناسب نشانه ادعایی با موقعیتی است که در آن ادعای یمانی بودن را مطرح کرده است. همین امر سبب شده تا برای حل این چالش، به تاویل احادیث بپردازد و هر گونه روایت جعلی و ساختگی را مستمسک خود قرار دهد و به منبعی که از آن نقل روایت می‌کند، توجهی نکند؛ در حالی که جریان منصور هاشمی خراسانی، با چنین چالشی روبه‌رو نیست و یا کم‌تر مواجه است.

۳-۳. تفاوت در راه‌های کسب معرفت دینی

«تفاوت در راه‌های کسب معرفت دینی»، یکی از اصلی‌ترین تفاوت‌های این دو جریان انحرافی است. مقصود از راه‌های معرفت، «روش‌هایی است که با آن می‌توان معرفت‌های معتبر و در خور اعتماد به دست آورد»^۲ و حقیقت را از دروغ تشخیص داد. راه‌های معرفت، خود بر

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، خلیلی، آشنایی با مدعیان دروغین، احمد الحسن بصری، کد ۶۹.

۲. مصباح و محمدی، معرفت‌شناسی، ص ۱۱۲.

منابع گوناگون معرفتی مبتنی هستند^۱ که قابل تقسیم به سه راه کلی، «عقل»، «نقل» و «کشف» است.^۲ از این رو، برخی افراد، داده‌های معرفتی خود را با عقل محک می‌زنند؛ گروهی با سنجه شهود و عرفان و برخی دیگر بر پایه نقل و آثار پیشینیان. برهمن اساس، راه‌های معرفت مختلف‌اند، و در هر شاخه‌ای از دانش نیز با توجه به موضوع آن، از راه یا راه‌های خاص استفاده می‌شود.

اما در میان این دو جریان، دیدگاه‌های افراطی و تفریطی به راه‌های کسب معرفت دینی وجود دارد. برهمن اساس، مدعی خراسانی، مروج نگرش انحصارگرایانه و افراطی به عقل است و تنها راه رسیدن به معرفت دینی را روش عقلی می‌داند.

تنها چیزی که می‌تواند معیار شناخت انسان باشد، «عقل» است؛ چرا که عقل، تنها ابزار شناخت آدمی است و قوه مدرکه‌ای جز آن در نفس انسان وجود ندارد. به عبارت دیگر، برای عقل جایگزینی نیست که در عرض آن قرار داشته باشد و بتواند [انسان را] از آن بی‌نیاز کند و این، یک امر محسوس و وجدانی است.^۳

عقلانیتی که در این جریان ترویج می‌شود، دارای بار منفی است و پذیرش آن، جامعه را به سوی «عقل خود بنیاد» که در مقابل «عقلانیت اسلامی» است، سوق خواهد داد؛ هر چند این جریان، چنین قصدی از معرفی عقل، به عنوان تنها معیار شناخت، نداشته باشد. همانند آنچه در اندیشه غربی مطرح است که منظور از عقلانیت، پیروی از معرفت‌های عقلی شخص و کنار نهادن غیر آن در اندیشه‌ورزی است. از منظر این جریان، حجیت شرع تنها از راه عقل ثابت می‌-

۱. در مباحث معرفت‌شناسی، میان «راه‌های معرفت» و «منبع معرفت» تفاوت می‌نهند. مقصود از راه، چنان‌که بیان شد، روشی است که با آن می‌توان معرفت معتبر به دست آورد، مانند روش عقلی یا نقلی؛ اما منبع معرفت چیزی است که معرفت با مراجعه به آن‌ها به دست می‌آید. برای مثال، منبع معرفت‌های حسی و تجربی «عالم محسوسات»، منبع معرفت «نقلی اشخاص یا آثار مکتوب» و منبع معرفت عقلی «خود عقل» است و «ابزارهای معرفت»، وسایلی به دست که برای بدست آوردن معرفت از یک منبع معرفتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. (ر. ک: همان، ص ۱۲۳).

۲. حکیمی، مکتب تفکیک، ص ۵۴.

۳. هاشمی خراسانی، بازگشت به اسلام، ص ۲۳.

شود و نقل برای اثبات خود وام دار عقل است و لذا معنا ندارد نقل را در ردیف عقل و در عرض آن به عنوان یک ابزار معرفت بخش به شمار آورد.^۱

اما باید توجه شود، اولاً، دخالت عقل در بعد هستی‌شناختی دین، به آن است که عقل بتواند چیزی را به مجموعه دین اضافه کند و در تکوین محتوای آن سهیم باشد. حق آن است که منبع هستی‌شناسی دین، فقط اراده و علم ازلی الهی است و همه اصول و فروع آن از ناحیه خدا تعیین می‌شود.^۲

ثانیاً، به فرموده آیت الله جوادی آملی، از قاعده «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع حکم به العقل»؛ به اشتباه تصور می‌شود که «عقل»، منبع صدور احکام است و «شرع» آن را تایید می‌کند؛ اما این تصور نادرست است. این قاعده محصول ادراک عقل است و معنای آن، این است که عقل فقط فهم‌کننده احکام خداست، نه این‌که خود حاکم باشد و احکام صادر کند. بنابراین، عقل به عنوان منبع شناخت در کنار آیات و روایات حضور دارد، اما به عنوان حاکم و مولا عمل نمی‌کند.^۳

ثالثاً، در نگرش ابتدایی، ممکن است تصور شود که عقل توانایی صدور احکام انشایی دارد؛ اما با دقت بیش‌تر در می‌یابیم که عقل، قدرت صدور حکم و مولویت ندارد و تنها به درک و کشف برخی احکام مولوی شارع قادر است. صدور حکم مولوی تنها از کسی بر می‌آید که قدرت پاداش و مجازات دارد، و عقل از این قدرت بی‌بهره است.^۴ بنابراین، حجیت شرع پس از اثبات به عنوان راه شناخت، ذاتی است و به تایید عقل نیازی ندارد.

اما جریان مدعی یمانی، برای کسب معرفت از تمام راه‌های متدوال سودجسته و انحصارگرایی در راه‌های معرفت در آن مطرح نیست؛ ولی با توجه به مکتوباتی که از جریان در دست است و

۱. هاشمی خراسانی بازگشت به اسلام، ص ۲۶.

۲. جوادی آملی، عقل در هندسه معرفت دینی، ص ۲۴.

۳. ر. ک: همان، ص ۲۴-۲۷.

۴. همان، ص ۲۵.

استناد پر شمار به روایات و نفی اجتهاد و تقلید و تاکید بر تقلید از معصوم^۱ و تاکید بر این که عقل به صورت مستقل، معرفت بخشی ندارد؛^۲ می توان این جریان را در شمار مروجان «اخباری گری» به حساب آورد. علاوه بر این که «خواب و رؤیا» دارای جایگاه ویژه ای در حوزه معرفت بخشی دینی در این جریان است.^۳

نگرش اخباری در معرفت شناسی، افزون بر این که سبب رواج افراط گرایی در جامعه می شود، به نظر می رسد پیامدهایی مختلفی نیز داراست که برخی از مهم ترین آن ها عبارت است از:

- تضييع ظرفیت های عقلانی: با نادیده گرفتن عقل به عنوان منبع معرفت، ظرفیت های عقلانی انسان که می تواند به فهم بهتر و دقیق تر مسائل دینی و غیردینی کمک کند؛ نادیده گرفته می شود. این امر می تواند به نوعی جمود فکری و عدم انعطاف پذیری منجر شود.
- فهم نادرست از متون دینی: بدون بهره گیری از عقل، احتمال تفسیر نادرست و سطحی از متون دینی افزایش می یابد. عقل می تواند به فهم عمیق تر و تفسیر صحیح تر متون مقدس کمک کند و بدون آن، امکان انحراف در فهم دینی بیش تر می شود.
- ایجاد اختلافات و تفرقه: نگرش افراطی به نقل، می تواند به ایجاد اختلافات و تفرقه میان پیروان دین منجر شود؛ زیرا تفسیرهای مختلف و گاه متضاد از متون دینی بدون معیارهای عقلانی به وجود می آید و هر گروه ممکن است برداشت خاص خود را داشته باشد.
- کاهش توانایی در پاسخ به مسائل جدید: در مواجهه با مسائل و چالش های جدید اجتماعی، علمی و فرهنگی، به پاسخ هایی نیاز داریم که ممکن است به طور مستقیم

۱. مغربی، سقوط بت، ۱۱.

۲. احمد الحسن، عقاید اسلام، ص ۲۲۱.

۳. شهبازیان، خواب پریشان، ص ۳۳.

در متون دینی نیامده باشد. عقل می‌تواند در استنباط و استخراج پاسخ‌های مناسب به این مسائل نقش مهمی ایفا کند و بدون آن، پاسخ‌گویی به مسائل جدید دشوارتر می‌شود.

- کاهش تعامل با دیگر علوم و معارف: عقل به عنوان ابزاری برای تعامل با علوم و معارف دیگر نقش دارد و نادیده گرفتن آن می‌تواند به کاهش این تعامل منجر و در نتیجه، دین از بهره‌گیری از دستاوردهای علوم و معارف بشری محروم شود.

این تفاوت در راه‌های کسب معرفت دینی نشان می‌دهد که اختلافات بین این دو جریان تنها در سطح ایدئولوژیک نیست، بلکه در روش‌ها و ابزارهای دستیابی به این ایدئولوژی‌ها نیز ریشه دارد. این امر به پیچیدگی بیش‌تر اختلافات و تعمیق شکاف بین پیروان این جریان‌ها منجر می‌شود که باید به اینگونه مسائل در میان هر دو جریان ضریب بیشتری داد. تشابهات و تمایزات دیگر نیز در میان این دو جریان مانند شخصیت پردازی، روش استفاده از روایات و قرآن، تفسیر و تاویل آیات و روایات وجود دارد که با توجه به محدودیت در مقاله به آنها نپرداختیم.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری کلی از این بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که جریان‌های یمانی و خراسانی هر دو در تلاش برای نشان دادن این نکته‌اند که نقش مهمی در دوران ظهور دارند و با استناد به پیشگویی‌های دینی، خود را به عنوان حمایت‌کنندگان اصلی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می‌کنند. این جریان‌ها دارای وجوه تشابه و تمایز هستند که برخی از آن تشابه‌ها عبارتند از:

- ادعاهای مشابه: هر دو جریان، نشانه‌های ظهور را به خود نسبت داده و نیابت، وصایت و جانشینی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مدعی هستند. آن‌ها انحصار حقانیت و هدایت‌گری را فقط در خود می‌بینند و مدعی زمینه‌سازی برای ظهور هستند؛
- الگو و روش‌های جذب مشابه: هر دو جریان با تخریب نهادهای رسمی و سنتی جامعه و انتقاد از مشروعیت حکومت‌های مستقر، در جذب پیروان سعی و تلاش می‌ورزند. این انتقادها به دو صورت تاریخی و القای ناکارآمدی انجام می‌شود.

برخی از تفاوت‌ها نیز عبارتند از:

- تفاوت در تطبیق نشانه‌ها: هر جریان نشانه‌های ظهور را به صورت متفاوتی به خود نسبت می‌دهد. (ادعای خراسانی و یمانی بودن)؛
- تفاوت در موقعیت جغرافیایی: هر جریان در جذب پیروان محلی تلاش می‌کند؛
- تفاوت در راه‌های کسب معرفت دینی: هر دو جریان، برای کسب و انتقال معرفت دینی به پیروان خود، دارای روش‌های متفاوتی است.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه (صدوق) محمد بن علی، **کمال الدین وتمام النعمه**، محقق: علی اکبر غفاری، نشر اسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵.
۲. ابن منظور، **جمال الدین محمد، لسان العرب**، نشر دار صادر، ۱۵ج، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۳. **اخبار الدولة العباسية**، محقق: عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلیبی، دارالطلیعه، بیروت، ۱۳۹۱ق.
۴. اسکندری، مصطفی، **درسنامه جریان شناسی احزاب و گروه های زاویه دار در ایران**، انتشارات بعثت، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۵. بصری، احمد اسماعیل (احمد الحسن)، **جامع ادله دعوت یمانی آل محمد**، مترجم: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، بی تا، بی جا.
۶. _____ **جهاد درب بهشت**، مترجم: مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی، چاپ دوم، بی جا، ۱۳۹۵.
۷. _____ **عقاید اسلام از تو درباره روح می پرسند**، مترجم: مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، چاپ اول، انتشارات انصار امام مهدی، بی جا، ۱۴۳۷ق.
۸. _____ **حاکمیت خدا نه حاکمیت مردم**، مترجم: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی، چاپ دوم، بی جا، ۱۳۹۷.
۹. پارسا خصال، علی، **بررسی مشترکات کالمی جریان مدعی یمانی (احمد الحسن) و بهائیت**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس، تهران، ۱۳۹۹.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، **منزلت عقل در هندسه دینی**، محقق: احمد واعظی، نشر اسراء، چاپ نهم، قم: ۱۳۹۵.
۱۱. حکیمی، محمدرضا، **مکتب تفکیک**، انتشارات دلیل ما، چاپ هشتم، قم، ۱۳۸۳.
۱۲. حیدری چراتی، حجت و ندرلو، مهرداد، **بررسی و تحلیل جریان منصور هاشمی خراسانی و**

۲۵. طوسی، محمدبن الحسن، **الغیبه**، محقق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، نشر دارالمعارف الاسلامیه، چاپ اول، قم، ۱۴۱۱ق.
۲۶. عقیلی، ناظم، **وصیت و وصی «احمدالحسن»**، مترجم: مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی، چاپ اول، بی‌جا، ۱۴۰۱.
۲۷. الغدیری، عبدالله عیسی ابراهیم، **القاموس، الجامع للمصطلحات الفقهیه**، نشر دارالرسول الاکرم، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۲۸. فتحیه، عباس، **همه گمراهند جز یمانی**، صاحب پرچم هدایت، انتشارات انصار امام مهدی، چاپ اول، بی‌جا، ۱۳۹۶.
۲۹. فیض اخلاقی، محمدحسین، **نقد حدیث وصیت با تاکید بر منحصر بودن ائمه علیهم‌السلام در عدد دوازده**، مجله علوم و معارف قرآن و حدیث، شماره ۱۲، سال ۱۳۹۶.
۳۰. کامیاب، مسلم، **بررسی و نقد تعدد قائمیت در جریان انحرافی احمد اسماعیل**، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۴۰۰.
۳۱. کنکاشی در شناسایی یمانی و مدعیان دروغین آن، خبرگزاری اهل بیت علیهم‌السلام، تاریخ درج : <https://hawzah.net.06/02/1394>
۳۲. کورانی عاملی، علی، **دجال بصره**، بی‌نا، چاپ دوم، قم، ۱۴۳۳ق.
۳۳. محمدی هوشیار، علی، **توهم بازگشت بررسی انتقادی آراء منصور هاشمی خراسانی**، انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول، قم، ۱۳۹۹.
۳۴. مصباح، مجتبی و، محمدی، عبدالله، **معرفت شناسی**، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ هشتم، قم، ۱۳۹۹.
۳۵. مظفری، آیت، **جریان شناسی سیاسی ایران معاصر**، نشر زمزم هدایت، چاپ چهاردهم، قم، سال ۱۳۹۶.
۳۶. معین، محمد، **فرهنگ معین**، کتاب راه نو، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۱.
۳۷. مغربی، توفیق محمد، **سقوط بت بت عقیده و جوب تقلید از غیر معصوم**، مترجم: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی علیهم‌السلام، بی‌جا، ۱۴۰۲.

۳۸. مقدسی، مطهر بن طاهر، آفرینش و تاریخ، مترجم: محمدرضا شفیعی کدکنی، نشر آگه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.

۳۹. منصوری، عبد العالی، ولایت فقیه در زمان غیبت مطالعه‌ای استدلالی، مترجم: مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی، چاپ اول، بی‌جا، ۱۴۰۱.

۴۰. موسسه دائره معارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت (علیهم السلام)، موسوعه دائره معارف الفقه الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۲۳ق.

۴۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه نعمانی، محقق: علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷.

۴۲. هاشمی خراسانی، منصور، بازگشت به اسلام، دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی، چاپ هفتم، بلخ، ۱۴۰۰.

۴۳. _____، منهاج الرسول، چاپ ششم، بلخ، ۱۳۹۵.

۴۴. _____، هندسه عدالت، دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی، چاپ سوم، بلخ، ۱۳۹۷.

۴۵. هفته‌نامه ظهور، انتشار مؤسسه وارثین ملکوت، شماره ۱۶۹.

۴۶. هوفر، اریک، مرید راستین: تاملاتی درباره سرشت جنبش‌های توده‌وار، مترجم: شهریار خواجیان، نشر اختران، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.

۴۷. هیات علمی انصار امام مهدی، متشابها، مترجم: مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی، چاپ دوم، بی‌جا، ۱۳۹۵.

سایت‌ها

۴۸. پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، بخش پرسش‌ها و پاسخ‌ها، کد ۱۲۳، ۱۳۹۴،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/6362/>

۴۹. _____، بخش نقد و بررسی، کد ۹۴، ۱۳۹۶،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/9138/>

۵۰. _____، بخش پرسش و پاسخ، کد ۴۶۱، ۱۳۹۹،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/12709/>

۵۱. حسینی، محسن، **نظریه ولایت مطلقه فقیه، بدعت فقهی فقهای آخر الزمان یا بن بست لا ینحل مشروعیت**، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، بخش مقاله‌ها و نکته‌ها، بخش مقالات، کد ۳۳، ۱۳۹۴. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/6034/>

۵۲. خلیلی، محمد امیر، **آشنایی با مدعیان دروغین (۴)**؛ احمد الحسن بصری، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، کد ۶۹، ۱۳۹۷،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/9825/>

۵۳. رضوی، طاها، **از حرف تا عمل؛ کارنامه نظام جمهوری اسلامی ایران**، پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، کد ۱۲۰، سال ۱۴۰۲؛

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/15417/>

۵۴. رضوی، طاها، **بررسی علل خودداری از همراهی با نهضت «بازگشت به اسلام» پس از علم به حقایق آن (۱)**، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، بخش مقاله‌ها و نکته‌ها، کد ۸۳، سال: ۱۳۹۷. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/10374/>

۵۵. ساحق، محمود، **فردای سقوط**، پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، مقاله شماره ۱۱۸، سال ۱۴۰۱.

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/15288/>

۵۶. گلستان، فرهاد، **نگاهی به وضعیت ایران و عربستان پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام**، پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، کد ۱۱۹، سال ۱۴۰۱.

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/15306/>